



## سنتهای محلی و توسعه روستایی در ایران

دکتر سیدحسن حسینی ابری\*

### چکیده

سنتهایی که اساس اندیشه و فعالیت را در جوامع روستایی قدیمی تشکیل می‌دهد، همواره مورد توجه محققین و برنامه‌ریزان قرار داشته است. بعضی از اندیشمندان نیز مواردی برجسته از آن سنتها را زیر ذره‌بین عالمانه قرار داده‌اند، اما هنوز هم جا دارد تا کل نظام حیات روستا در رابطه با کل سنتها مورد تعمق قرار داده شود. بعضی، سنتی بودن روستاییان را مبنای اصلی فقر و عقب ماندگی آنان دانسته‌اند، بعضی دیگر توجه به سنتها را پیش شرط هر نوع اقدام توسعه‌ای در این جوامع دانسته، و برخی نیز معتقدند که امروزه روستاییان همواره در صدد فرار از سنتهای جوامع خود هستند.

در این مقاله، کوشش شده است، تا براساس تجارب متنوع مطالعاتی، اجرایی و کار و

زندگی خود در بین روستاییان مناطق مختلف کشور، ضمن برشمردن ویژگی‌های سنت‌های روستایی، نقش و عملکرد آن سنت‌ها را در جریان اقدامات مربوط به توسعه، بر شمرده، میزان اعتبار و تأثیر هر یک را همراه با تأکید بر خصیصه ارتباط سیستمی آنها با یکدیگر در تجارب آبخیزداری، در یکی از مناطق محروم کشور (بشاگرد - هرمزگان) بازگو نماید.

نتیجه حاصل از این بررسی، پیشنهادهایی است مبنی بر شناخت و توجه به عملکرد و پیوستگی سنت‌های روستایی در کلیه مراحل مطالعاتی، طراحی و اجرایی، که به برنامه‌ریزان و مجریان بخش روستایی کشور ارائه می‌گردد.

## واژه‌های کلیدی

آبخیزداری، تحجیر، طبقه فراتر - طبقه فروتر، الگوی آبیاری، تکنولوژی، غرس کردن، الگوی کشت، سازه‌ها، کاست، الگوی مصرف، سیستمی، محیط انسانی، انعطاف‌پذیری، سنت‌های روستایی، باورها، سُرقم

## مقدمه

سنت‌های مختلفی که در اکثر مناطق روستایی قدیمی جهان، تمامی ابعاد حیات آن جوامع را به صورت یک جریان سیستمی تنظیم و هدایت می‌کند و در تمامی حیات آنان، همزمان عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به میدان می‌طلبد، (۱) کمتر به صورت تفصیلی مورد توجه محققین و برنامه‌ریزان قرار گرفته است. در کشور ایران نیز آنان که به سنت‌های روستایی و نقش آنها در حیات روستاها توجه کرده‌اند، معمولاً چند سنت برجسته را از بین کل جریان، به صورتی به نسبت مستقل، مورد بررسی و تأکید قرار داده‌اند، و نیز ضمن تلاش و تعمق در بروز کردن این سنت‌ها در نظام اجرایی روستا و انطباق آنها با نیازهای امروزی و ارائه زمینه‌های بسیار ارزشمند سنت‌های کاربردی روستا، از فراموش شدگی بخشی و یا تمامی ابعاد آن سنت‌ها ابراز تأسف عمیقی نموده، آرزوی توجه برنامه‌ریزان را به آنها نموده‌اند. (۲) از جمله:

محققانی چون؛ جواد صفی‌نژاد، (۳) خسرو خسروی، (۴) فرهاد فرهادی، (۵) کاظم ودیعی، (۶) مهدی طالب، (۷) آل لمتون، (۸) و دکتر مصطفی ازکیا (۹) و دیگران تلاش‌های گران سنگی در این زمینه نموده‌اند که شایسته ستایش است. اما از آنجا که سنت‌های روستایی،

تمامی هویت و رفتار آن جوامع را در رابطه با پذیرش و همگامی با جریانات توسعه و نوگراییها امکان پذیر می سازد، تلاشهای فراوان انجام شده در توسعه روستایی، به علت عدم توجه به جامعیت و پیوستگی آنها، تاکنون ارتباط جامع و کامل بین تخصص و دانش جدید را با تمامی جریان حیات جامعه روستایی ما میسر نساخته و یا باکندی روبه رو کرده است. به همین دلیل، پس از گذشت حدود نیم قرن از آغاز جریان توسعه در ممالک پیشرفته و مستعمرات سابق، (۱۰) امروزه صاحب نظران مسائل توسعه، بویژه در رابطه با مناطق روستایی، همسو نمودن اقدامات مربوط را با سنتهای محلی، ضرورتی اجتناب ناپذیر می دانند، (۱۱) و شناسایی کم و کیف آن سنتها را در زمره اولین پیش شرطهای اقدامات اجرایی در روستا قرار می دهند، (۱۲) زیرا آنان به تجربه دریافته اند که زندگی و روند امور آن در جوامع روستایی، نوعی تکرار تجارب گذشته است؛ تکرار تجاربی که حصول منافع نسبی و گریز از زیانهای احتمالی آنها در طی زمانی طولانی به اثبات رسیده، (۱۳) و به قول کلاید. کن: «گنجینه آفرینندگی پدر» آنها را تشکیل داده است (۱۴) و در این گنجینه، تکرار و یکنواختی نسبی همراه با تغییرات محدود، بنیان و ستون اصلی همه اقدامات و تفکرات آن جامعه را تشکیل می دهد.

آنجا که گفته می شود: «امروزه کارشناسان با فقدان مکانیزم مشارکت در روستا مواجهند و نیز معتقدند: «امروزه میل به گریز از فرهنگ و سنن بین روستاییان رو به افزایش است»، (۱۵) پیچیدگی سنتها و عدم تفکیک آنها به اجزاء قابل درک، بیش از هر چیز آشکار می شود. البته مشخص نیست، مقصود آن محققین فرار از کدام سنتها است؟ سنتهای مدیریت بر منابع یا سنتهای خانوادگی، قبیله ای و یا سنن کاشت و برداشت و...؟ و یا عدم توانایی بخش روستا شناسی کشور در یافتن راهی برای بروز کردن آن سنتها؟

بعضی نیز سنتی بودن روستاییان را عاملی برای دیر پذیر بودن آنان در مقابل جریانهای نو می پندارند. (۱۶) گاهی نیز مشاهده می شود که برخی، سنتهای روستایی را به عنوان سپری مزاحم در مقابل پیشرفت روستاییان دانسته، و مبارزه با آن را تنها راه نجات آنان از فقر و عقب ماندگی می دانند و سنت شکنی را به عنوان ابزار کار توسعه روستا به میدان می آورند. (۱۷) البته، نمی توان منکر دیر پذیری روستاییان در مقابل نوآوریهای با نظام پیچیده علمی شد، (۱۸) اما پذیرفتنی است که مفهوم تکرار، در بین جوامع روستایی، از نفس

زندگی آنان در رویارویی با طبیعت و عوامل ناپایدار و حوادث غیر قابل کنترل آن (سیل، خشکسالی، سرمازدگی، میزان و توزیع بارندگی و ...) از یک سوی، و مصایب انسانی (بیماری‌های مسری و همه گیر، ناامنیه‌های ادواری محلی و منطقه‌ای، نوسانات بازار فروش تولیدات، قحطیها و ...) از سوی دیگر، مایه می‌گیرد. (۱۹) و لذا آنان انجام هر آنچه احتمالی از زیان و مخاطره را در آن احساس می‌کنند، برای خود، زبانی خود خواسته و استقبال از خطری مضاعف می‌دانند و از پذیرش امور مغایر با تجارب دیرینه خود، سر باز می‌زنند. از سوی دیگر، در بین همه روستاییان قدیمی جهان و بر خلاف قبایل تازه اسکان یافته آفریقا، امروزه نیاز به پذیرش دانش و تکنولوژی جدید برای بهبود بخشی بهره‌وری از زندگی بشدت احساس می‌شود. (۲۰) اما در بعضی مناطق روستایی (از جمله در کشور ما) هنوز روشهای مناسب برای پیوند بین دانش و تکنیک جدید، با دیرینه زندگی روستاییان به کار گرفته نشده است. (۲۱)

این نوشتار برگرفته از الگوی آبخیزداری، مشارکتی در منطقه بشاگرد، هرمزگان و حاصل چهار روش: مطالعه، انجام پروژه‌های مطالعاتی، تجربه اجرایی و زندگی در بین روستاییان مناطق مختلف کشور است،<sup>(۱)</sup> که همه آن تجارب در الگوی محرومیت زدایی (توسعه) منطقه بشاگرد به کار گرفته شد. در این مقاله به بررسی ابعاد و نقش سنت‌های محلی در هر یک از اقدامات توسعه (نمونه تجربه آبخیزداری) پرداخته می‌شود. (۲۵)

### رتال جامع علوم انسانی

۱- الف) مطالعه و تحقیق در ادبیات روستایی از جمله: بررسی دیدگاهها و نظریات مربوط به روستا و روستاشناسی، مباحث توسعه روستایی در ایران و جهان، بررسی الگوی اجرایی، تجدید حیات کشاورزی در بعضی ممالک جهان و سیر در روند برنامه‌ریزیهای روستایی و اجرای آنها توسط بخش دولتی. ب) زندگی طولانی مدت میان جوامع روستایی کشور و مشارکت در امور مختلف اقتصادی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی آنان. ج) انجام پروژه‌های متنوع و متعدد مطالعه، برنامه‌ریزی و اجرا در روستاها، روستا شهرها و مناطق عشایری، به کارفرمایی بخش دولتی. د) انجام چند تجربه اجرایی در تلفیق سنت‌های محلی با علم و تکنولوژی جدید، در ابعاد مختلف توسعه روستایی، پروژه در احیای منابع طبیعی، از جمله: مردمی کردن، احیای مراتع و کویر زدایی، (۲۲) پخش سیلاب و تغذیه مصنوعی سیلابها و هرز آب قنات (۲۳) و اقدامات متنوع آبخیزداری و توسعه زراعی، (۲۴) پرداخته می‌شود.

تجربه بشاگرد<sup>(۱)</sup>

با توجه به این واقعیت که نقطه آغاز و شروع اقدامات توسعه پایدار و متکی به خود، از منطقه‌ای به منطقه دیگر و حتی از روستایی به روستای دیگر متفاوت است، شروع محرومیت زدایی و یا به تعبیری، توسعه پایدار، در منطقه بشاگرد (هرمزگان) (۲۶) از تأمین آب و جلوگیری از فرار آب و خاک و در نهایت، انسان به عنوان جزء اصلی اکوسیستم، از منطقه، آغاز شد. (۲۷) و از آنجا که ساکنین منطقه قرن‌ها و نسل‌ها، خود از همین طریق زندگانی می‌کرده‌اند، و از طرفی نیز کمبود اعتبارات دولتی از یک سوی و ویرانی شدید همراه با فقر بی‌انتهای زیربنایی، مالی و انسانی، همراه با موقعیت خاص استراتژیک منطقه از سوی دیگر، (۲۸) ضرورت تسریع در اقدامات را با استعانت از امکانات محلی اجتناب ناپذیر کرده بود، استراتژی توسعه منطقه بر به کارگیری حداکثر امکانات محلی ولو توانایی‌های به ظاهر ناپیدای طبیعی، انسانی و سرمایه‌ای آن (۲۹) طراحی گردید. و نیز چون شرط اول توفیق در این استراتژی مشارکت مردم بشدت سنتی و دست نخورده منطقه بود؛ شناسایی سنت‌هایی که طی قرن‌ها و نسل‌ها موجب نگهداری جمعیت در منطقه شده و آثار تمدن ویژه‌ای را در آنجا بر جای گذاشته بود، (۳۰) ضروری می‌نمود و حتی به عنوان کلید حل معمای عقب ماندگی منطقه بود. گفتنی است که سنت‌های کاربردی مردم بشاگرد، همانند آن سنت‌ها در دیگر مناطق روستایی دارای خصوصیات زیر هستند:

- ۱) از محیط جغرافیایی و در نتیجه عملکرد مجموعه‌ای از شرایط و عوامل محیط طبیعی و انسانی حاصل شده‌اند؛
- ۲) از طریق تجارب طولانی مدت به دست آمده‌اند و قابلیت بهره‌وری بیشتر (اصلاح) آنها، از طریق مشابه سازی بروز می‌کند؛

۱- ر.ک: الف) بشاگرد، قمر محیطی یا فراموش شدگی سیاسی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۰، سال ۱۳۷۲. ب) سفرنامه بشاگرد، جهاد دانشگاهی، دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۶. ج) بشاگرد، گذری بر جهات محرومیت منطقه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹. د) ارزیابی اثرات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمیته امداد در منطقه بشاگرد، اصفهان ۱۳۷۲. ه) تجارب آبخیزداری در محرومیت زدایی بشاگرد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، ۱۳۷۴، سال دهم، شماره ۲. و) پژوهشی در محرومیت زدایی کمیته امداد در منطقه بشاگرد، ۳ جلد، تهران، ۱۳۷۵.

- (۳) همزمان با تکامل ابزار و رویکرد نیازها تکامل یافته‌اند؛
- (۴) وسعت حوزه عمل بعضی از آنها، بسته به نقش و کارکردشان، در منطقه وسیعی پوشش داشته و حتی از مرزهای جغرافیایی نیز، فراتر می‌رود؛
- (۵) بین سنت‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، قبیله‌ای و حتی خانوادگی جامعه، پیوندی سیستمی وجود دارد؛
- (۶) سادگی ابزار و مفهوم، بازدهی سریع، پیوستگی با مجموعه شرایط محیط و اطمینان نسبی از نتیجه، از خصایص اصلی آنهاست؛
- (۷) نسبت به شرایط زمان و تحول در اهداف و ابزار، انعطاف‌پذیر و قابل تغییر هستند؛
- (۸) بعضی، طی قرن‌ها و نسل‌ها پایدار مانده‌اند؛
- (۹) در مناطق همگن، در اجزاء نیز، تفاوتی بین آنها دیده نمی‌شود؛
- (۱۰) هر چند از نظر اجرایی به نسبت روستاها و مناطق مختلف امکان تفاوت در آنها دیده می‌شود، از نظر اصول کلی مشابهند.
- (۱۱) در بین جامعه به صورت باور در آمده، احترام به آنها موجب تسهیل در ارتباط بین برنامه‌ریزان بیرونی و ساکنین درونی منطقه خواهد شد.
- سنت‌های مردم بشاگرد نیز نمی‌توانست خارج از چارچوب عمومی آنها در دیگر مناطق روستایی باشد (بررسی‌های محلی نیز چنین تطبیقی از سنت‌ها را در منطقه نشان می‌داد). هدف اساسی فعالیت‌های محرومیت زدایی منطقه، اعم از آبخیزداری، کشاورزی، شکستن سنن بازدارنده طبقاتی و ...، ایجاد پیوند بین دانش، تکنیک و سرمایه جدید با سنن و تجارب محلی بود، لذا شناسایی سنن محلی، قبل از تصمیم‌گیری و حتی پیشنهاد برنامه‌ها به مردم محلی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر داشت.
- طی بررسی‌های گروهی انجام شده، این نتیجه حاصل شد که عملیات آبخیزداری، نیازمند توجه به پنج گروه از سنت‌های محلی است، که به ترتیب اهمیت عبارتند از:
- (۱) سنت‌های اجتماعی؛ (۲) سنت‌های اقتصادی؛ (۳) سنت‌های مذهبی - فرهنگی؛ (۴) سنت‌های اجرایی؛ (۳۱)، (۵) سنت‌های بهداشتی - تفریحی. به شرح جدول صفحه ۱۸ این گزارش.







۳- عدم توجه به آنها، جریان اجرا را متوقف نکرده، اما آن را کند می‌کند.

از مجموع ۳۲ مورد سنتهای مؤثر در عملیات آبخیزداری بشاگرد، عدم توجه به هشت مورد (۲۵ درصد) دارای اثر بازدارنده، و یا توجه به هجده مورد (۵۶/۲۵ درصد) دارای اثر شتاب دهنده و نیز عدم توجه به شش مورد (۱۹ درصد) دارای تأثیر کند کننده بود، لیکن این عدم توجه به موارد اخیر، دارای چنان تأثیری نبود که کل جریان عملیات را متوقف نماید. لازم به ذکر است که هر یک از سنتهای محلی مؤثر در توسعه روستایی، ضمن این که با دیگر سنتها رابطه سیستمی دارد، خود نیز به صورت مستقل در کل جریان مؤثر است، به گونه‌ای که برای مثال حتی اگر یکی از موارد سنتهای اجتماعی (آن دسته از سنتهای بر شمرده شده) مورد بی‌توجهی قرار گیرد، ممکن است کل جریان را متوقف کرده، تلاشهای انجام شده در سایر موارد را نیز به هدر دهد. و یا در مورد گروه دوم، اگر آن دسته که توجه به آنها اثر شتاب دهنده در جریان عملیات دارد، به فراموشی سپرده شده و یا برخلاف جهت یکی از آنها حرکت شود، نیز همان تأثیر را در مجموع عملیات بر جای خواهد گذاشت، به عبارت دیگر، در عملیات اجرایی توسعه، اکثر سنن روستایی دارای عملکرد سیستمی و حتی ارگانیکی هستند.

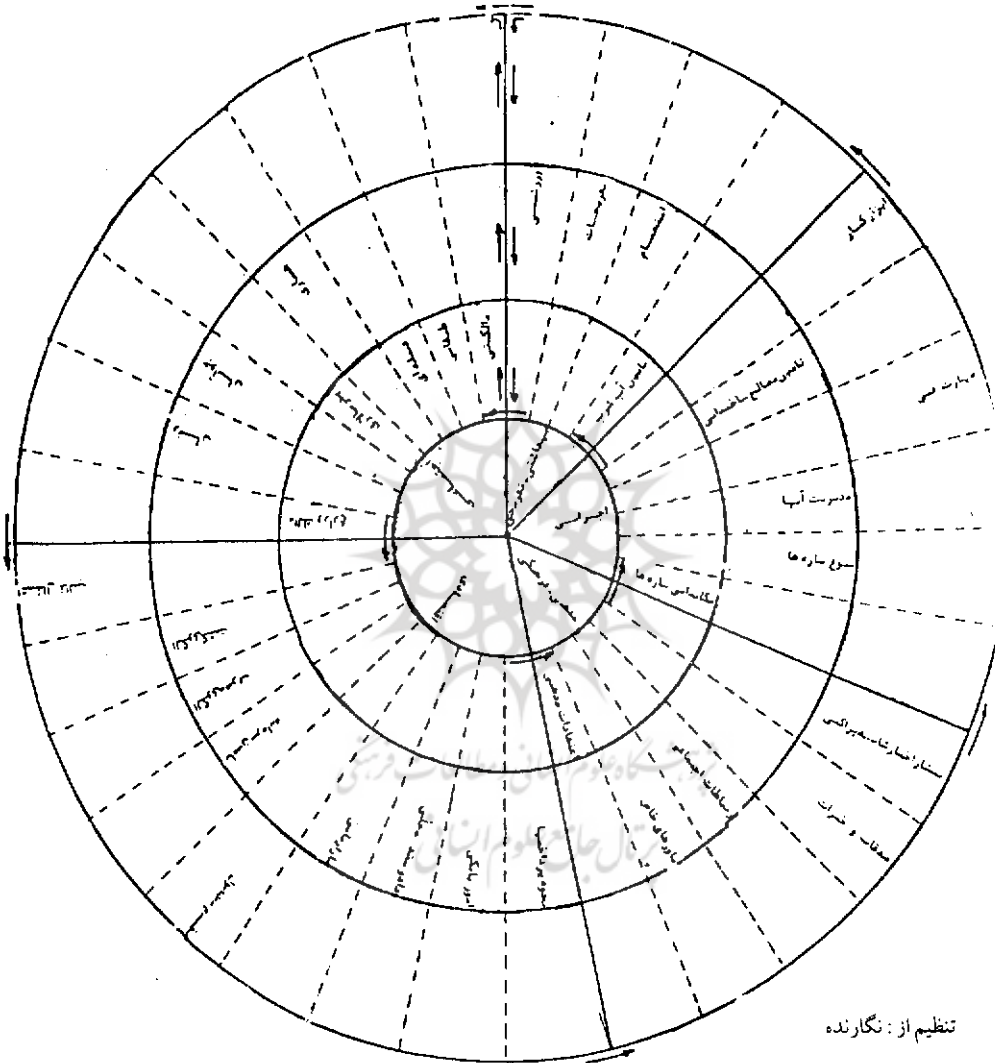
نکته دیگر این که: موارد یاد شده از سنن مؤثر در آبخیزداری بشاگرد، بعضی منطقه‌ای و خاص آن منطقه است؛ بعضی در انجام عملیات مشابه در تمامی نقاط کشور مؤثر است، و برخی دیگر به اضافه سنتهای منطقه‌ای خاص، در کل جریان توسعه روستایی تأثیر گذار خواهند بود.

### توضیحات:

۱) سطح بندی نمودار شماره (۲)، به ظاهر نشان دهنده تأثیرات سنتها در درجات مختلف است، اما در عمل پیوستگی خاصی بین آنها وجود دارد و بجاست که در امر اجرا، اثر خاص همه موارد و سطوح یاد شده، مد نظر مجریان قرار گیرد.

۲) در تمام اقدامات توسعه روستایی (در مناطق مختلف) مجموعه‌ای از سنتها وجود دارند که کم و بیش به یک نحو عمل می‌کنند، یعنی، بعضی خاص بشاگرد و مناطق مشابه است، اما بعضی بجز در بشاگرد و مناطق همجوار، در سایر نقاط کشور جای خود را با سنتهای منطقه‌ای عوض می‌کنند، که شناسایی نقش و اثر آنها بر عهده برنامهریزان همان منطقه است.

## نمودار شماره (۲) چرخه سطح بندی تأثیر سنتهای روستایی در برنامه‌های آبخیزداری



تنظیم از: نگارنده

## تحلیل مسأله

صاحب‌نظران مسایل روستایی اذعان خواهند داشت که بحث تحلیلی در مورد هر یک از موارد اصلی و وابسته سنتهای یاد شده، و این که تأثیرات آنها بر هر یک از ابعاد مختلف برنامه‌های روستایی و یا در رابطه با کل سیستم آن چگونه خواهد بود، کاری است فراتر از گنجایش یک مقاله، زیرا حجم محدود مقالاتی این چنین، همراه با وسعت مسأله، اجازه

مباحث طولانی را نخواهد داد. از طرف دیگر، بعضی از دانش پژوهان از یک مقاله - در کوتاه سخن - انتظار دریافت پاسخی مناسب در باب مسأله عنوان شده را خواهند داشت، بدین جهت در صورت علاقه مندی دستگاہهای ذی ربط و تشویق صاحب نظران، بحث در این مورد را، یا به صورت مقالاتی پیوسته و یا به صورت یک مجموعه، به آینده واگذار می نماید. در این جا به صورت نمونه به تحلیل اثرات بعضی از موارد پرداخته می شود:

الف) اهمیت و اعتبار همه سنتهای دخیل در برنامه های توسعه به یک میزان نیست. بعضی دارای نقش تعیین کننده، بعضی دارای اثر باز دارنده، و پاره ای دیگر در روند اقدامات اجرایی دارای اهمیت فرعی می باشند، اما در رابطه با اهداف هر برنامه اجرایی در روستا، شناسایی عملکرد همه آن سنتها، اجتناب ناپذیر می نماید.

ب) همگان باور دارند که تداوم و احترام به بعضی از سنتها، اصولاً به زیان جامعه است. از جمله: سنن قبیله ای و بی اعتنایی به حقوق اقشاری از جامعه، اما در شروع کار و با هدف اصلاح متناسب آنها، برنامه ریزان را در آغاز کار، علاجی جز قبول موقتی سنتهایی این چنین، و تغییر تدریجی آنها نیست.

ج) در این مبحث، ترتیب، تقدم و تأخر توجه به سنتهای محلی به این دلیل بوده است که در بین جوامع روستایی ایران - برخلاف مغرب زمین و یا احتمالاً سایر مناطق جهان - اولاً: بعضی از سنتهای اجتماعی، از نظر جلب مشارکت روستاییان در برنامه ها، مقدم بر سنتهای اقتصادی است، اولویت توجه به سنتهای اجتماعی با هدف اعتلای اقتصادی جامعه، بازگشای مسیر توسعه خواهد بود. ثانیاً: سنتهای بهداشتی، بویژه در مناطق خشک، به علت کمبود آب در اولویت نسبی قرار دارند، اما به علل مختلف، در منطقه مورد مطالعه، در اولویت نهایی قرار داده شده اند. مثالهایی بر موارد یاد شده به روشتر کردن مطلب خواهد افزود:

۱) در روستا، بویژه در مناطقی که با محدودیت آب و زمین مواجه هستند، قطعات اراضی کشاورزی قبل از آن که از نظر بازدهی، ارزش گذاری شوند، از نظر ایجاد تشخیص و افزایش هویت اجتماعی اهمیت دارند.

در منطقه بشاگرد یک اصله نخل دیم، با بازدهی متوسط سالانه پانزده هزار ریال، به قیمت دویست هزار ریال (۳۲) و یک قطعه زمین با مساحت چهار متر مربع، با بازده پانزده کیلو باقلا

یا سرقم در سال، یک میلیون ریال معامله می‌شود، (۳۳) یعنی انتظار بهره سالانه حدود ۳/۷ درصد است، که در این بین هزینه‌های دستمزدی و نهاده‌های کشاورزی نیز در دل همان ۳/۷ درصد سود محاسبه می‌شود و در یک محاسبه ساده، و صرف‌نظر از هزینه‌های فرصت از دست رفته، نشان از زیان خواهد داشت، اما اثر تشخیصی آن برای مالک آن قطعه زمین، در ورای بازده سرمایه‌گذاری می‌باشد. و یا از بین سنن اجتماعی، سنن مربوط به طبقات اجتماعی (کاستها)، (۳۴) سنن قبیله‌ای و پدر سالاری، همراه با قلت اعتبار زنان (۳۵) و کم اهمیت بودن نقش جوانان و وابسته به خانوار در تصمیم‌گیریها، در خور توجه خاص هستند، و با وجود کارکرد منفی آن سنتها در کل نظام جامعه؛ در آغاز برنامه نمی‌توان به مشارکت جامعه علاقه‌مند بود، اما سنت‌های یاد شده را نادیده انگاشت.

در مورد مالکیت اراضی نیز، جامعه بشاگرد از نظر طبقات اجتماعی، به دو گروه طبقاتی فراتر و فروتر تقسیم شده است. مردم طبقات فروتر، هیچ‌گونه حقی بر مالکیت اراضی و منابع آب منطقه ندارند، و اگر مشارکت طبقات اخیر در ایجاد تغییر در الگوی بهره‌برداری از آب و خاک طلب شود، آنان از ترس طبقات فراتر، تن به مشارکت نخواهند داد، زیرا بر آنان روشن است که در آن صورت، منطقه به میدان جنگی خونین تبدیل خواهد شد، که بی‌یقین طبقات ضعیف (فروتر) بیشترین زیان را متحمل خواهند شد.

۲) از بین سنن اقتصادی، در مورد تصرف و دعوی مالکیت بر منابع آب و خاک، با تحریف حکم تحجیر، (۳۶) ترکیب خاصی در منطقه حاصل شده و چنین پذیرفته شده است که هر کس در یکی از دره‌های منطقه، سنگچینی ایجاد کرده و یا درختی غرس کرده باشد، تمامی آن دره از «خط‌الرأس»ها تا پایین‌ترین حد خروج آب از آن دره، به او تعلق دارد و هیچ‌کس حق دخل و تصرف در آن را ندارد. (۳۷)

بدیهی است این سنت، سنتی پسندیده نیست، اما عدم رعایت آن در منطقه، در اجرای تصمیمات اجرایی، اهمیتی بشدت بازدارنده دارد، و رعایت و احترام به آن (هر چند معقول به نظر نمی‌آید) تأثیر عمیقی در مشارکت ساکنان و سرعت بخشیدن در گسترش برنامه‌ها خواهد داشت.

۳) سایر سنن اقتصادی، بویژه آنچه در مباحث الگوی کشت و آبیاری و ... یادآوری شد، با وجود عقب‌ماندگی و ضعف بهره‌وری، تا حد زیادی با اصول علمی تطابق داشته و تنها در

میزان کارآیی ابزار و تکنیک با آنها مغایرت دارد، که در صورت فراهم شدن تکنیک و ابزار جدید بهره‌وری و زمینه پذیرش محلی، می‌توان با کمک آنها جریان اجرا را به آسانی سرعت بخشید. به همین جهت شناسایی آن سنتها و احترام به آنها، علاوه بر حفاظت برنامه‌ریزان از خطا، برای استقبال ساکنان از برنامه‌های جدید، نقش انگیزشی نیز خواهد داشت.

۴) سنن اجرایی، در مباحث آبخیزداری بشاگرد، یعنی مکان یابی و اشکال موجود و آتی سازه‌ها نیز هر چند ساده و کوچک مقیاس هستند، اما بار علمی و اجرایی نیرومندی دارند. به عبارت دیگر از نظر مقایسه با دانش و تکنولوژی جدید آبخیزداری، به غیر از دو نوع تفاوت (در هدف و ابزار) در دیگر اشکال و زمینه‌ها، برای کارشناسان اجرایی حتی نقش آموزشی نیز خواهند داشت، و توجه به کم و کیف آن سنن، نه تنها مشکلی در راه اجرا ایجاد نخواهد کرد، بلکه از این بابت الگویی پذیرفتنی نیز به دست داده، (۳۸) روند برنامه‌ها را شتاب خواهد بخشید. آن‌گاه که مکان یابی اجرای سازه‌های آبی - خاکی (که البته از دقت و ظرافت خاصی برخوردار است) بدرستی منطبق با سنن محلی - که البته معمولاً با روشهای علمی نیز تطابق کامل دارد - انجام شود، مردم محلی آن را نشانه‌ای از تسلط برنامه‌ریزان به کار خود خواهند دانست، و در این حالت آنان قادر خواهند بود که همکاری محلی را براحتی جلب نمایند، زیرا به گفته سیمان، ا، ناپ: <sup>(۱)</sup> «انسان هر چه را ببیند یا بشنود حق دارد به آن شک کند، اما کاری را که خود انجام دهد، هرگز به آن شک نخواهد کرد.» (۳۹) مردم محلی نیز مکان یابی سازه‌های آبی - خاکی (اصل حیات منطقه) را خود قرن‌ها و نسل‌ها انجام داده‌اند و کافی است یک مورد اشتباه در مکان یابی این گونه سازه‌ها اتفاق بیفتد تا اعتماد آنان از توانایی برنامه‌ریزان سلب شده، جریان توسعه متوقف شود و یا حداقل مشارکت و حمایت مردم محلی از دست برود. این اشتباه، زمانی جریان آبخیزداری بشاگرد را یک سال به تأخیر انداخت.

۵) در مورد سنت محلی ارتباط اجتماعی و اهمیت آن در کند یا تند شدن جریان توسعه، پیچیدگی زیادی وجود دارد. مفهوم ارتباط چهره به چهره در روستا، (۴۰) گویای واقعتهای پیچیده‌ای است، که با این که در سطح بندی سنتها در شکل شماره "۲"، ظاهرأ در سطح سوم

قرار گرفته است، اما ایجاد آن در تشکیلات توسعه روستایی، سیستم را به فعالیت واداشته، به آن قدرت نفوذ در جامعه مورد نظر، و قدرت دسترسی به منابع ضروری مورد نیاز را می‌دهد و تشکیلات توسعه را در مقابل خطرات احتمالی و شکستها محافظت کرده، نفوذ در جامعه روستایی را امکان‌پذیر نموده، آن را تقویت می‌کند. بویژه هنگامی که سیستم، هنوز در بین جامعه محلی به اندازه کافی قدرتمند نشده است، توفیق آن را تضمین می‌نماید. (۴۱) به همین دلیل گفته می‌شود: «یکی از راههای قابل اعتنا برای برقراری ارتباط کارآمد با روستاییان، شناسایی و اعتنا به سنن آنان است.» (۴۲)

۶) اعتنا و استفاده از ابزار و مصالح ساختمانی محلی در حد امکان، از نظر روستاییان نشانه درایت و صرفه‌جویی در هزینه‌ها و علاقه‌مندی به تسریع در روند اجرا خواهد بود، و عدم استفاده از مصالح محلی، نشانه خلاف آن، و حتی ممکن است به بی‌تفاوتی و انتظار انجام همه کارها از طرف دولت در بین روستاییان بینجامد. موردی که در سراسر مملکت نمونه‌های مشابهی از آن در روستاها مشاهده می‌شود.

۷) بار عاطفی، روانی و مذهبی همواره در کلیه اعمال روستاییان، نهفته است، هم در رابطه با طبیعت و هم در رابطه با انسان. به عبارت دیگر، آنان به امور یاد شده علاقه‌مندند و برای آن ارزش قایلند و در عین حال می‌کوشند اعمال خود را در هاله‌ای از دین باوری و خیرخواهی و عواطف مذهبی، اجتماعی و قبیله‌ای پیچیده، در هر حال به گونه‌ای نمایان سازند. (۴۳) آنان در جمع، مجال مناسبی پیدا می‌کنند که اطلاعات و خبرهای محل و اطراف خود را رد و بدل کنند، کارهای در دست انجام پیرامون - دور یا نزدیک - را مورد ارزیابی قرار دهند، اطلاعات جدید به دست آورند، اطلاعات پیشین را مرور و جمع‌بندی کنند و از آنها نتیجه بگیرند و آن نتیجه را در سطح ده یا منطقه (بسته به نقش و اهمیت آن) بپراکنند. در همین رابطه، پیوسته بخشی از ثمره کار خود را بر نیازمندان نذر می‌کنند (چرنده، پرنده و گوینده لاله الا...).

۸) در دوران ارباب - رعیتی در ایران و فتودالیزم در دیگر نقاط جهان، یک نفر روستایی، در تمامی عمر فقط کار را می‌دانست و کار را، (۴۴) و تصمیم‌گیری، مدیریت و پیوند با جهان خارج، از اختیارات خان، رئیس، مالک و در پایین‌ترین سطح با کدخدا بود.

در آن زمان مدیریت خان، رئیس، کدخدا و .... تحت تأثیر مبانی قدرت آنان، یعنی اختیار

در تصمیم‌گیری، قدرت اقتصادی و قانونی، و... انعطاف‌پذیری نسبی در مواجهه با جریان‌های مختلف قرار داشت. امروزه نیز نیاز به مدیریت توسعه در همان مبانی نهفته است و شناسایی کیفیت محلی آن مدیریت، عوامل و مسایل مورد نیاز مدیریت جدید را در منطقه مورد عمل در پیش روی برنامه‌ریزان و مجریان قرار داده، قبلاً امکان‌ارزیابی توفیق در عملیات را برای مدیریت توسعه فراهم خواهد کرد.

ملاحظه می‌شود، بحث و تحلیل در جزء جزء سنتهای دخیل در هر یک از موارد مربوط به توسعه روستایی، کاری وسیع را می‌طلبد؛ بدین جهت، این مختصر برای روشن شدن بعضی ابعاد و اثرات آن سنتها در موارد مختلف توسعه - و فقط در رابطه با آبخیزداری در یک منطقه سنتی - بیان گردید، و پرداختن به همه جزئیات مسأله را به آینده موکول می‌کنیم.

### نتیجه

سنتها، اصل حیات و هویت جوامع قدیمی روستایی را تشکیل می‌دهند و تأکید بر توجه به آنها، نه یک احساس است و نه بازگرداندن جریان اندیشه و روند اجرای برنامه‌ها به قرون و اعصار گذشته، بلکه واقعیتی است انکارناپذیر، و مشخصه اصلی فرهنگ جوامعی است که نه تنها قرار است نوآوریهای توسعه در آن، شکل بگیرد، بلکه خود روستاییان نیز آن را به عنوان سنتی جدید برای زندگی خویش پذیرا شده، اندیشه و اعمال آینده خود را نیز بر مبنای آن قرار دهند. بدین جهت، ضرورت شناخت کم و کیف و چگونگی ایجاد و تکامل آنچه که باید تغییر کند، (سنتها) حرف اول هر گونه حرکتی است که باید در جهت آن تغییر صورت بگیرد. به عبارت دیگر، در جوامع روستایی، اکثر - و می‌توان گفت کلیه - ابعاد حیات انسانی، تکرار تجارب گذشته است و آنان به آن تجارب هم باور دارند و هم از دیگران باور و احترام به آنها را طلب می‌کنند. از طرف دیگر، در روستا هر اقدام اجرایی ترکیبی، سیستمی از سنتهای برخاسته از محیط جغرافیایی و انسانی مربوط را با خود به همراه دارد، به گونه‌ای که شرط توفیق، در هر زمینه اجرایی و یا مجموعه زمینه‌های مرتبط با امر توسعه در روستاها، شناخت و بهره‌گیری از سنتهای مربوط است؛ هر چند آن سنتها به ظاهر عقب‌مانده و باز دارنده بنمایند. در بشاگرد و جریان آبخیزداری آن، اگر چه هدف اساسی، ایجاد تحول و سازگار نمودن سنن محلی با واقعیتهای امروزی ایران و جهان بود، اما در شروع کار به همه سنتها -

اعم از معقول و غیر معقول - احترام گذارده می‌شد تا در جریان اجرا بتوان به آرامی سنن جدید را جایگزین سنت‌های قدیم نمود.

بدین ترتیب نیز در طول مدتی حدود ده سال، بسیاری از سنت‌های بازدارنده محلی تغییر یافت و بسیاری دیگر نیز اهمیت و اعتبار خود را به طور نسبی از دست داد.<sup>(۱)</sup> به نظر می‌رسد تجربه بشاگرد بتواند الگویی قابل مطالعه برای دست‌اندرکاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی در دیگر مناطق باشد؛ الگویی قابل تحلیل و تطبیق با شرایط دیگر برنامه‌های توسعه در سایر مناطق روستایی.

### پی‌نوشتها :

1- Galeski Bo uslaw, *Basic Concepte of Rural Sociology*, P. 101.

- ۲- مرتضی فرهادی، فرهنگ یاریگری در ایران، ج ۱، ص ۱۵۰.
- ۳- ر. ک: جواد صفی‌نژاد، بنه، نظام‌های زراعی سنتی در ایران، و «آبیاری سنتی در ایران» مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره ۱۴، ۱۳۶۷.
- ۴- ر. ک: خسرو خسروی، جامعه‌شناسی روستایی ایران، ج ۲، و جامعه دهگانی در ایران.
- ۵- مرتضی فرهادی، فرهنگ یاریگری در ایران.
- ۶- کاظم ودیعی، مقدمه‌ای بر روستا شناسی در ایران، و مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی ایران.
- ۷- مهدی طالب، مدیریت روستایی در ایران و نگاهی جامعه‌شناسانه به اعتبارات روستایی در ایران، صص ۱-۴۷.
- ۸- آن لمتون، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری.
- ۹- مصطفی ازکیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی توسعه روستایی، صص ۵۳-۹۵ و جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی، همان نویسنده، همان صفحات.
- ۱۰- ام جراللد مایر و دادلی سیرز، پیشگامان توسعه، ترجمه: سیدعلی اصغر یاسری، و ....، ص ۴۳۷.
- ۱۱- مهدی طالب، «طرحی برای مدیریت روستایی» فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ص ۱۴.

۱- برای اطلاع از کم و کیفیت مسأله رجوع کنید به: پژوهشی در زمینه فعالیتهای محرومیت‌زدایی کمیته اسداد

امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد (منبع شماره ۱۳۲ این مقاله).



- ۱۲- فریدون کامران، توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، ص ۳۳۰.
- ۱۳- سیدحسن حسینی ابری، «توسعه روستایی در اقتصاد بدون نفت» چهارمین دوره مقاله‌نویسی، ج ۱، صص ۱۱۱-۱۲۹.
- ۱۴- کن کلاید، *تعریفها و مفهوم فرهنگ*، ترجمه داریوش آشوری، ص ۴۲.
- ۱۵- مهدی طالب، *طرحی برای مدیریت روستایی*، همان، صص ۵ و ۱۳.
- ۱۶- کارون فارسون، *سرمایه‌داری دولتی در الجزایر*، ترجمه: الف. بهروز، صص ۱۵۰ و ۱۶۲.
- ۱۷- کارن فارسون، همان، ص ۱۶۲.
- ۱۸- سیدحسن حسینی ابری، *تجارب آبخیزداری در محرومیت زدایی بشاگرد*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۷، ۱۳۷۴، صص ۹۵-۱۰۹.
- 19- G. J. Lewis, *Rural Communities*, P. 68.
- 20- Pulj, Cloke Chris Bnd, C, Park, *Pueal Recource Managment*, P. 115.
- ۲۱- جاسبر سینگ - اس، اس دیلون، *جغرافیای کشاورزی*، ترجمه سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و ...، ص ۴۵۹.
- ۲۲- سیدحسن حسینی ابری، *مردمی کردن احیای مراتع و جنگلها*، گزارش سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی، صص ۲۵۳-۲۶۲.
- ۲۳- پروانه خانیا، *اثرات تغذیه مصنوعی سیلابها و هرزآبها در منطقه سمیرم سفلی*.
- ۲۴- سیدحسن حسینی ابری و همکاران، *بررسی اثرات فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد*، ج سوم، ۱۳۷۲.
- ۲۵- *تجارب آبخیزداری در محرومیت زدایی بشاگرد*، همان.
- ۲۶- *کمیته امداد امام خمینی، بشاگرد، آرشیو*.
- ۲۷- *تجارب آبخیزداری*، همان.
- ۲۸- *منبع شماره ۲۴*.
- ۲۹- *کمیته امداد امام خمینی (ره) معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی، پژوهشی در زمینه فعالیت‌های محرومیت زدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد*، مطالعات کاربردی شماره ۵، ۱۳۷۵، ج دوم.

- ۳۰- مرتضی نورایی، جامعه‌شناسی تاریخی بشاگرد، ص ۱۰۲ (منتشر نشده).
- ۳۱- تحقیقات محلی ۱۳۶۶ تا ۱۳۷۵.
- ۳۲- همان.
- ۳۳- تحقیقات محلی، اسفند ۱۳۷۵.
- 34- Fukutake, Tadashi, *Japanese Rural Society*, Translated, r, p, Dore, p. 209.
- ۳۵- نصرآ... پورافکاری، شکستن سنن طبقاتی در بشاگرد، ص ۳۶ (منتشر نشده).
- ۳۶- ر.ک: فرهنگ عمید، ذیل کلمه تحجیر و کلیه رسالات عملیه.
- ۳۷- بشاگرد، گذری بر جهات محرومیت منطقه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹.
- ۳۸- ر.ک: سبزه‌زاران، مشاوره، گزارش آبخیزداری در بشاگرد، شماره ۲، اصفهان ۱۳۶۸.
- 39- George H. Axim, *Modernizing World Agriculture*, New York  
p. 102, Indian Edition 1975, p. 182.
- ۴۰- خسرو خسروی، جامعه‌شناسی روستایی در ایران، ۱۳۵۸، صص ۱۰۶-۱۱۹.
- 41- and 45- Georg h. Axim, *Modernizing World Agriculture*, New York  
Indian Edition, 1975, p, 182.
- ۴۲ و ۴۳- فرهادی، مرتضی: فرهنگ یاریگری در ایران، همان، صص ۸۰-۱۵۰.
- منابع و مأخذ:**
- ۱- لمتون، آن، مالک و زارع در ایران، ترجمه: منوچهر امیری، انتشارات علمی فرهنگی ایران، تهران، ۱۳۶۲.
- ۲- ام جرال مدایر و دادلی سیرز: پیشگامان توسعه، ترجمه: سید علی اصغر یاسری، و ...، انتشارات سمت، ۱۳۸۶.
- ۳- بشاگرد، گذری بر جهات محرومیت منطقه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹.
- ۴- پژوهشی در زمینه فعالیت‌های محرومیت‌زدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد، ج ۲، مطالعات کاربردی شماره ۵، ۱۳۷۵.
- ۵- پورافکاری، نصرآ...: شکستن سنن طبقاتی در بشاگرد، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲، (منتشر نشده).
- ۶- تحقیقات محلی ۱۳۶۶-۱۳۷۵.

- ۷- جاسبر سینگ - اس، اس دیلون: جغرافیای کشاورزی، ترجمه: سیاوش دهقانیان، عوض کوچکی و ...، مشهد، ۱۳۷۴.
- ۸- حسینی ابری، سیدحسن: مردمی کردن احیای مراتع و جنگلها، گزارش سمینار بین‌المللی جغرافیای جمهوری اسلامی، آستان قدس، ۱۳۶۴.
- ۹- حسینی ابری، سیدحسن و همکاران: بررسی اثرات فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد، ج ۳، ۱۳۷۲.
- ۱۰- حسینی ابری، سیدحسن: تجارب آبخیزداری در محرومیت‌زدایی بشاگرد، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۳۷، ۱۳۷۴.
- ۱۱- حسینی ابری، سیدحسن: توسعه روستایی در اقتصاد بدون نفت، چهارمین دوره مقاله‌نویسی، ج ۱، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹.
- ۱۲- خسروی، خسرو: جامعه‌شناسی روستایی در ایران، ج ۲، دانشکده علوم اجتماعی و تعاون، تهران، ۱۳۵۵. جامعه دهگانی در ایران، چاپ دوم، انتشارات پیام، تهران، ۱۳۵۸.
- ۱۳- خانیان، پروانه: اثرات تغذیه مصنوعی سیلابها و مرزآبها در منطقه سمیرم سفلی، به راهنمایی نگارنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۰.
- ۱۴- سبزه‌زاران، مشاوره، گزارش آبخیزداری در بشاگرد، شماره دوم، اصفهان، ۱۳۶۸.
- ۱۵- صفی‌نژاد، جواد: بنه نظامهای زراعی سنتی در ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۸.
- ۱۶- طالب، مهدی: مدیریت روستایی در ایران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهران، ۱۳۷۱.
- ۱۷- طالب، مهدی: نگاهی جامعه‌شناسانه به اعتبارات روستایی در ایران، معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی، تهران، ۱۳۷۲.
- ۱۸- طالب، مهدی: طرحی برای مدیریت روستایی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۳۹، مشهد، ۱۳۷۶.
- ۱۹- فرهادی، مرتضی: فرهنگ یادگیری در ایران، ج ۱، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۳.
- ۲۰- فارسون، کارون: سرمایه‌داری دولتی در الجزایر، ترجمه: الف. بهروز، نشر تندر، تهران، ...
- ۲۱- کمیته امداد امام خمینی، بشاگرد، آرشیو.

۲۲- کلاید، کن: *تعريفها و مفهوم فرهنگ*، ترجمه: داریوش آشوری، مرکز اسناد فرهنگی آسیا، تهران، ۱۳۵۷.

۲۳- کامران، فریدون: *توسعه و برنامه ریزی روستایی*، آوای نور، تهران، ۱۳۷۲.

۲۴- مجله رشد آموزش جغرافیا، شماره چهاردهم، ۱۳۶۷.

۲۵- نورایی، مرتضی: *جامعه‌شناسی تاریخی بشاگرد*، دانشگاه اصفهان، ۱۳۷۲ (منتشر نشده).

۲۶- ودیعی، کاظم: *مقدمه‌ای بر جغرافیای انسانی ایران*، دانشگاه تهران، ۱۳۵۴.

۲۷- ودیعی، کاظم: *مقدمه‌ای بر روستاشناسی در ایران*، مؤسسه تعاون دانشگاه تهران، ۱۳۵۲.

منابع انگلیسی

- 1- Galeski Bo uslaw, *Basic concepte of Rural sociology*, Manchester University, 1972, P. 101.
- 2- G. J. Lewis, *Rural Communities*, London, 1979, P. 68.
- 3- Pulj. Cloke Chris Bnd, C, Park, *Pueal Recource Mana ment*, London, 1985, P. 115.
- 4- Fukutake, Tadashi, *Japanese Rural Society*, Translated, r. p. Dore, London, 1967, P. 209.
- 5- George H. Axim, *Modernizing World Agriculture*, New york P. 102, Indian Edition, 1975, P. 182.